

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۹۲-۱۰۵ (مقاله علمی - پژوهشی)

خوانش برتقریب مذاهب اسلام مبتنی بر فهم فقهی منافع هویت ملی

• شقایق عامریان

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان
shaghayegh.amerian1647@gmail.com

• مصطفی کیخا

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)
m.keikha.69@gmail.com

• محمدرضا کیخا

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان
kaykha@hamoon.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۸

چکیده

«هویت ملی» با وجود تنوع فرهنگ، قومیت، ادیان و مذاهب در ایران، فصل مشترک تمامی این تفاوت‌ها است. قرائت‌های موجود از هویت ملی، نشان از نگاه غیرواقع‌گرایانه به این عنصر انسجام‌بخش اجتماعی دارد که نمود آن را می‌توان در تقریب مذاهب، ذیل تدارک منافع ملی دید. در واقع، منافع امت، بخشی از منافع هویت ملی قلمداد می‌شود. رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به تقریب مذاهب اسلامی، چه از حیث روابط فراملی و چه از حیث فروملی، نیازمند بینشی دقیق در فهم منافع ملی است. فهم فقهی منافع هویت ملی، می‌تواند به خوانش نوینی از تقریب منتهی شود. نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد: بازنمایی هویت ملی و الزامات حفظ منافع آن، با ادراکی فقهی در جهت تقریب مذاهب اسلامی، با توجه به اصول و قواعدی، مانند مصالح امت اسلامی، عدالت و نفی سبیل، حاکم بر حفظ منافع ملی است که می‌تواند مذاهب اسلامی را در خود مجتمع سازد. بنابراین، توجه به تقریب با فهمی فقهی نسبت به ملیت و منافع آن، با تمسک به بناء عقلاء، سیره متشرعه و نظریه منطقه الفراغ، تبیین روشنی از تقریب به دست می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: منافع ملی، هویت ملی، تقریب مذاهب اسلامی، ملیت، فهم فقهی.



مقدمه

با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی فقهی و رویکرد آن نسبت به مسائل فردی و اجتماعی، ادراک تقریب مذاهب اسلامی به عنوان یک مسأله اجتماعی، در چارچوب فقهی، بستری مناسب را جهت همزیستی و تقریب مذاهب ایجاد می‌کند. هویت ملی هر ایرانی به عنوان وجه اشتراک تمامی اختلافات قلمداد می‌شود و توجه فقه سنتی به تدارک منافع این هویت ملی، نیازمند تلاش در جهت فهم مفهوم منفعت ملی و هویت ملی در مکانیزم خود است. حفظ منافع ملی و توجه واقع‌گرایانه به آن در عرصه فراملی و منافع مترتب بر آن و همچنین منافع مقصود در سطح ملی و امت اسلام، باعث ایجاد فهمی مشترک توسط فقه سنتی از نسبت منافع ملی و هویت ایرانی در وقوع تقریب میان مذاهب اسلامی می‌گردد. هدف اصلی پژوهش حاضر، خوانش متفاوت نسبت به مفهوم منافع هویت ملی در چارچوب فقه سنتی در جهت تحقق تقریب مذاهب اسلامی است. در کنار این هدف، بهره‌گیری از دانش فقه در جهت توسعه و غنای تقریب با تکیه بر دانش بومی ملل اسلامی به عنوان روشی که مستقلاً به موجب تعاطی آراء نص و عقل است، شکل گیرد. علاوه بر این کوشش می‌شود تا عقلانیت مبتنی بر فقه و کارکرد اصول و قواعد فقهی در مواجهه با منافع هویتی و ملی منتهی به نزدیکی عقاید و تقریب ملاحظات اجتماعی گردد. باید متذکر شد، هرچند در این نوشتار به صورت متعدد از واژه هویت ملی و منافع ملی نام برده می‌شود، اما نگارندگان با توجه به نگاهی که در این نوشتار دارند، منافع امت از جمله تقریب مذاهب اسلامی و وحدت آن را یکی از منافع ملی هر کشور اسلامی، به ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع فقهی و مراجعه به کتب اسنادی با روشی کیفی و اطلاعات معناگرایانه و با تکیه بر نگاه اجتهادی به

دانش فقه به فهمی متفاوت از مبانی فقهی در امکان عرضه تقریب مذاهب اسلامی می‌رسد. پرسش‌های اصلی این پژوهش چنین است: «بر اساس دانش غنی فقه اسلامی، حفظ منافع هویت ملی چه حکمی دارد؟»؛ «آیا حفاظت و تدارک منافع در همان ساختار فقه سنتی موجب نزدیکی مذاهب خواهد شد؟»؛ «فهم فقهی از مفهوم مدرن ملیت چگونه است؟» و «تبیین روابط متقابل هویت ملی و تقریب مذاهب چگونه خواهد بود؟».

با بررسی مجموع آثار به تقریر درآمده پیرامون منافع ملی و گستره آن از حیث فراملی بودن یا فروملی بودن، می‌توان دریافت که رویکرد آنان به تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مفهوم ملیت بر اساس نظریه «دولت-ملت» و تحولات اجتماعی است، منابعی مانند: «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» (کیانی، ۱۳۸۶) و «فقه سیاسی شیعه و نقش دوگانه مصلحت» (حقیقت، ۱۳۸۹). از آنجایی که مسأله پژوهش حاضر، میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و شامل حوزه مطالعات تقریب مذاهب اسلامی و توجه به منافع هویت ملی با رویکردی مبتنی بر دانش و اصول فقهی با روش اجتهادی است، پژوهشی نوین در این عرصه قلمداد می‌شود. بهره‌وری از ظرافت و ظرفیت فقه سنتی برای خوانشی صحیح از تقریب مذاهب اسلامی با فهم فقهی منافع ملی، نگاهی متفاوت از آثار تولید شده به شمار می‌آید.

مفهوم تقریب مذاهب اسلامی

«تقریب» از منظر لغوی به معنای «نزدیک کردن»، بیان شده است.^۱ «تقریب مذاهب اسلامی» در اصطلاح به رویکردی گفته می‌شود که مبتنی بر تعامل و گفتگوی علمی میان مذاهب اسلامی با تکیه بر مشترکات دینی و مبانی مذهبی است.^۲ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تقریب را این‌گونه تعریف می‌کند: «نزدیک

۱. اسلام؛ آیین همبستگی، ص ۲۴.

۲. آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی، ص ۱۷.





شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تآلف و اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات دینی». عده‌ای اذعان داشته‌اند، که جایگزینی واژه «تقریب»، به جای «وحدت»، به علت ادغام یا انحلال مذاهب نیست، بلکه هدف این است که مذاهب، با صیانت از استقلال خود، به یکدیگر نزدیک شوند.^۲ بنابراین مقصود از تقریب مذاهب، یکی کردن همه مذاهب نیست، بلکه منظور این است که تمامی مذاهب با در نظر گرفتن مشترکات خود، از راه مباحثه در علوم مرتبط، در فضایی صمیمی به حقایق اسلامی دست یابند و آن را به تمامی مذاهب منعکس کنند.^۳ تاکنون طرح‌های علمی متعدد در تقریب مذاهب مطرح شده است؛ از جمله دیدگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی است که به طرح مرجعیت علمی اهل بیت(ع) و پرهیز از مباحث اختلافی، از جمله خلافت امام علی(ع) باور داشته‌اند، یا دیدگاه مرحوم شیخ شلتوت و استادش شیخ عبدالمجید سلیم که از بنیان «دارالتقریب» بودند و به اینکه سنت پیامبر(ص) از طریق عترتش ثابت می‌گردد، باور داشته‌اند.^۴

اهداف تقریب مذاهب بر اساس قرآن و سنت

تقریب مذاهب را می‌توان یکی از اهداف مهم قرآن کریم دانست که در آیات مختلف، تحت موضوعات گوناگونی به آن اشاره داشته است. موضوع بخش حاضر، پرداختن به این موضوعات با تطبیق بر روایات است. تقریب در روش ائمه معصومین(ع) نیز، به عنوان یک محور تلقی می‌شود که همیشه مورد تأکید آن حضرات بوده است. یکی از اهداف تقریب مذاهب در قرآن، رسیدن به آرامش و آسایش، معرفی شده است: «خدا میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او

برادران هم شدید». امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «بر شما باد به وصل کردن، همبستگی، بذل و بخشش به هم و پرهیزید از قطع رابطه با یکدیگر».^۵ از دیگر موضوعات مذکور، دوری از تفرقه و اختلاف است. قرآن، تفرقه را سبب ذلت و خواری در دنیا و آخرت برشمرده است: «و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءکم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم»؛^۶ «و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای (هدایت) آنها آمد، راه تفرقه و اختلاف پیمودند و برای آنان عذابی سهمگین است». امام علی(ع) در این خصوص بیان می‌دارند: «همانا دست خدا با جماعت است، پس از تفرقه پرهیزید».^۷ همچنین، آن حضرت می‌فرماید: «از پراکندگی پرهیزید و آگاه باشید که هر کس مردم را به شعار تفرقه و جدایی دعوت کند، او را بکشید هرچند زیر عمامه من باشد».^۸

اخوت و رعایت حقوق برادری که نتیجه آن همدلی میان مسلمانان است، یکی دیگر از موضوعات مذکور است. چنان‌که در قرآن آمده است: «انما المومنون اخوه».^۹ امام صادق(ع) در ذیل این مبحث می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است و برای برادر خود همانند چشم، راهنما و در نهایت خیرخواه او است؛ از این رو هرگز به او خیانت نمی‌کند، ظلم و ستم نمی‌کند، دروغ نمی‌گوید و حيله به کار نمی‌برد».^{۱۰} آن حضرت در جای دیگر نیز می‌فرماید: «با هم برادران خوبی باشید، به خاطر خدا یکدیگر را دوست بدارید و پیوند برادری خود را مستحکم‌تر بسازید و برای هم خضوع، عطف و مهربانی به خرج دهید».^{۱۱}

۶. آل عمران، ۱۰۳.

۷. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۸. آل عمران، ۱۰۵.

۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۱۱. حجرات، ۱۰.

۱۲. عین الحیاء، ج ۴، ص ۷۴.

۱۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۳. «جریان‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی»، ص ۲۰.

۴. «مصاحبه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با آیت‌الله واعظزاده خراسانی»، ص ۱۷۵.

۵. «راه‌های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان»، ص ۴۰.



موضوعات به راحتی می‌توان دریافت که غایت در همه آنها واحد بوده و آن حفظ منفعت جمعی و ملی است، به گونه‌ای که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز، غایت را به شکل دیگری عرضه می‌دارد. این مجمع احیاء معارف اسلامی، گسترش اندیشه تقریب و انتقال آن به توده‌های مسلمان در جهت آگاهی از توطئه‌های دشمنان، تحکیم اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی، رفع شبهات میان پیروان مذاهب و تشکیل جبهه واحد در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام را از دیگر موضوعات تقریب مذاهب، قلمداد کرده است.

ضرورت تقریب مذاهب با عنصر گفتگو

تقریب مذاهب را می‌توان یکی از حقایق انکارناپذیر در عرصه اختلافات فکری میان مذاهب اسلامی دانست؛ زیرا اگر معتقد باشیم که هر مذهبی با عقاید فکری خود، به صورت مجزا و جدای از سایر مذاهب، به فعالیت خود ادامه دهد، هرچند که ممکن است موضوعات مشترک بسیار داشته باشند، اما موضوعات اختلافی موجب تفکیک و جدایی می‌گردد و ثمره این تفکیک در مسائل کلان خود را نشان می‌دهد، توقف رشد جهان اسلام و تحت تأثیر قرار دادن منافع کشور مسلمان از ثمرات کلان این مسأله است. همچنین از آن منظر که گفتگوی مذاهب اسلامی، موجب هم‌دلی و آزاداندیشی حقیقی می‌شود، نمی‌توان معتقد به دوری مسلمانان از مسأله هم‌اندیشی شد. خداوند در آیاتی از قرآن به اهمیت گفتگو پرداخته است.^{۲۰} این مصادیق دلایل محکمی بر ضرورت گفتگو است. اما جهات گفتگو مختلف است، برای مثال در اوایل خلقت انسان، گفتگو برای رفع ابهام بود، اما با گذر زمان، گفتگو در مسائل فکری ظهور بیشتری یافت، تا آنجا که نیازمند استدلال و برهان شد.^{۲۱} تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را می‌توان نمونه‌ای از همین

تقریب که در عرف، گاه به نام «وحدت اسلامی» یا «امت واحده» شناخته می‌شود که تأکید بر وحدت و اتحاد دارد نیز از دیگر موضوعات تقریب مذاهب محسوب می‌گردد، در قرآن آمده است: «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون»^{۱۴}. حضرت فاطمه زهرا(س) در این رابطه می‌فرماید: «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است»^{۱۵}. حضرت علی(ع) در خصوص نقش پیامبر(ص) می‌فرماید: «خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد و شعله‌های عداوت را خاموش ساخت و دل‌ها را با هم الفت داد»^{۱۶}.

یکی دیگر از موضوعات، تلاش در جهت صیانت نسبت به از بین نرفتن ابهت و هیبت مسلمانان و اشاره به قدر مشترک میان مسلمانان، یعنی توحید، است. قرآن می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا»^{۱۷}. امام حسن(ع) می‌فرماید: «امیدوارم خیرخواه‌ترین مردم باشم از برای مردم. کینه‌توز نیستم که از سر عداوت جنگ بپا کنم و باید آگاهی دهم که اجتماع مسلمانان و جماعت آنان، اگرچه مکروه شما باشد، بهتر است از پراکندگی و تفرقه، هرچند دو دستگی خواست شما باشد»^{۱۸}. در آخر می‌توان گفت رمز تمام پیروزی‌های پیامبر(ص)، شعار توحید بوده است که تمامی اختلافات را با هر بهانه‌ای نفی می‌فرمود.^{۱۹}

تمامی موضوعات فوق، در راستای حفظ منافع ملی یک مجموعه است. در واقع، خدشه ناشی از عدم تقریب در هر یک از این موضوعات، بازگشت آن به منافع جمعی و ملی است؛ بنابراین با بررسی هر یک از

۱۴. انبیاء، ۹۲.

۱۵. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۸۳.

۱۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۱.

۱۷. آل عمران، ۶۴.

۱۸. حیاة الامام الحسن بن علی(ع)، ج ۲، ص ۲۷۶.

۱۹. صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۳۸.

۲۰. بقره، ۳۰؛ اعراف، ۱۱-۱۸.

۲۱. «ضرورت گفتگوی ادیان و مذاهب»، ص ۸.



احساس نیاز در بین مذاهب دانست، مجمعی که تقریباً همه مذاهب در صحت و درستی آن اجماع دارند و آن را مقدمه‌ای در جهت رونمایی از قدرت واقعی مسلمانان و الگو شدن در جهان، رشد فکری جامعه دینی، دستیابی به واقعیت‌های اسلامی، تبدیل دشمنی به دوستی، فراهم شدن زمینه‌های شناخت مبانی و نزدیکی آراء عالمان مسلمان^{۲۲} می‌دانند. وجود چنین اقداماتی که باعث حفظ منافع جهان اسلام و یا منافع ملی یک کشور اسلامی است، ضرورت تقریب مذاهب اسلامی را متبلور می‌سازد.

منافع هویت ملی و عناصر شکل‌گیری هویت ملی

منافع ملی با توجه به اهدافی که هر یک از ملیت‌ها دارند، مختلف تعریف شده است. در تعریفی، منافع ملی رویکردی امنیتی تلقی گشته است که از راه دفاع قوای نظامی، تمامیت مرزی دولتی را حفظ می‌کند.^{۲۳} عده‌ای، منافع ملی را اولویت‌هایی می‌دانند که عالی‌رتبگان یک نظام سیاسی، اقدام به تعریف آن می‌کنند.^{۲۴} برخی، منافع ملی را امکاناتی می‌دانند که نیازهای امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را میسر می‌سازد.^{۲۵} گروهی دیگر، منافع ملی را ذیل عناصر عینی و مشترک، مثل قدرت، تعریف می‌کنند.^{۲۶} عده‌ای دیگر، منافع ملی را یک امر متغیر، تلقی می‌کنند.^{۲۷} برخی آن را یک واژه کاملاً متغیر می‌دانند.^{۲۸} اما ارائه تعریفی صحیح از این واژه، نیازمند شناخت پتانسیل‌های مادی-معنوی و

سازوکارهای تصمیم‌گیری‌ها، در هر کشور است.^{۲۹} با این حال، تعریف ما از «منفعت ملی» در این پژوهش عبارت است از هر آنچه تضعیف آن موجب خدشه و آسیب به هویت ملی شود، به عبارتی حفظ منفعت ملی رابطه مستقیمی در حفظ هویت ملی دارد. برخی نویسندگان در خصوص هویت ملی، شش عنصر را یادآور می‌شوند: ۱- سرزمین تاریخی (وطن)؛ ۲- اسطوره‌های تاریخی؛ ۳- فرهنگ عمومی توده مشترک؛ ۴- نهادهای سیاسی اداره‌کننده سرزمین مورد نظر (دولت)؛ ۵- حقوق و وظایف مشترک برای تمامی اعضاء و ۶- اقتصاد مشترک.^{۳۰} میلر نیز به پنج عنصر اساسی، یعنی باور مشترک، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از سایر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی، در راستای تشکیل هویت ملی اشاره کرده است.^{۳۱} عنصر دیگری که در تشکیل و قوت هر هویت ملی لازم به توجه است، منافع آن هویت ملی است، بنابراین رابطه متقابل منافع ملی و هویت ملی غیرقابل‌انکار است.

ناسیونالیسم به معنای ملی‌گرایی،^{۳۲} در اصطلاح، یک ایده و جنبش است که هدف آن ترقی بخشیدن منافع یک ملت است.^{۳۳} ملی‌گرایی یک آگاهی جمعی است که در قالب حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، سنت، زبان، اخلاق، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ)، به ظهور می‌رسد.^{۳۴} ناسیونالیسم در یک تقسیم‌بندی به منفی و مثبت، تقسیم می‌شود. اگر ناسیونالیسم به صورت توسعه‌طلبی و خودکامگی نسبت به دیگران، خواهان جدایی قلمرو ملی از دولت، متمایز شمردن خود از سایر افراد و گروه‌های فعال در کشور، محرومیت گروهی از

۲۲. وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۳۱.

23. *Foreign policy analysis: A comparative introduction*, p64.

24. *Defending the national interest: raw materials investments and u.s foreign polic*, p54.

25. *The international relation dictionary*, p10.

26. *In defense of national interest*, p14.

۲۷. «منافع ملی ما کدامند؟»، ص ۴۸.

۲۸. اصول روابط بین‌الملل، ص ۱۰۴.

۲۹. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۱۱.

۳۰. بنیادهای هویت ملی ایرانی، ص ۶۶.

۳۱. ملیت، ص ۳۴.

۳۲. فلسفه سیاست، ص ۸۲.

33. *Nationalism: theory and ideology*, p 25.

۳۴. دانشنامه سیاسی، ص ۳۱۹.



شهروندان به علت طبقه‌بندی و التزام به خودمختاری توسط توده‌های مردمی، عملکرد خود را نمایان سازد، ناسیونالیسم مخرب و منفی محسوب می‌گردد.^{۳۵} اما اگر ناسیونالیسم بدون متمایز شمردن و حس برتری نسبت به دیگران، به سرزمین، ملت، مذهب و غیره علاقه‌مند باشد، ناسیونالیسم مثبت تلقی می‌گردد. در این نوع، احترام به آزادی‌های دیگران، به رسمیت شناختن حق حاکمیت ملت‌ها و دوری از تضييع حقوق مردمی، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. این گرایش اگرچه مذموم نیست، بلکه باعث استحکام یک ملت و دفاع از هویت ملی می‌گردد.^{۳۶}

رابطه منافع ملت و امت

«ملة» کلمه‌ای عربی است و به معنای راه و روش است.^{۳۷} در قرآن کریم در همین معنا استفاده شده است: «ملة ابيکم ابراهيم»^{۳۸} بنابراین واژه «دین» و واژه «ملت» به یک معنا قلمداد می‌شوند، البته با این فرق که یک چیز به اعتباری دین و به اعتباری دیگر ملت گفته می‌شود. اما آنچه امروزه در کاربرد واژه «ملت» مطرح می‌گردد، کاملاً متفاوت با مفهوم اصلی و عربی خود است. «ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد، پدید می‌آید. از جمله ویژگی‌های هر ملت، اشغال یک قلمرو جغرافیایی مشترک است و احساس دل‌بستگی و وابستگی به سرزمین معین».^{۳۹} این کلمه معمولاً با واژه تابعیت همراه است. این اصطلاح رابطه قانونی به معنی عضویت در یک ملت یا دولت را معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، رابطه‌ای

۳۵. دایرة المعارف ناسیونالیسم، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳۶. همان، ج ۱، ص ۴۹۳.

۳۷. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۶.

۳۸. حج، ۷۸.

۳۹. دانشنامه سیاسی، ص ۳۰۶.

۴۰. حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۶.

۴۱. دانشنامه سیاسی، ص ۳۱۰.

۴۲. «امت و ملت، نگاهی دوباره»، ص ۱۶۱.



در این فرض دل‌بستگی‌های دینی و منافع دینی که موجب همبستگی و وابستگی یک ملت می‌باشد، همان منافع ملت است؛ لذا منافع دینی هیچ تعارضی با منافع ملی در کشور دینی نخواهد داشت و در واقع در یک راستا قرار دارند.

تبیین فقهی ملیت و هویت ملی

با توجه به مباحث گذشته، هویت ملی در تعریفی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش در سطح یک کشور است که به‌عنوان یک واحد سیاسی قلمداد می‌گردد.^{۴۳} از مهم‌ترین عناصر این مفهوم، ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی است.^{۴۴} ملیت، منافع و دولت‌های ملی، از موضوعاتی هستند که با شرایط زمانی قابلیت تغییرپذیری دارند. این تغییرات اقتضای واکاوی و تحلیل مجدد را دارند، تبیین فقهی ملیت و هویت آن با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت است، اما از آن منظر که فقه امامیه با پویایی در بطن خود، با تحولات زمانی و مکانی در موضوعات مختلف قابل اجرا است، لذا در این بخش از نوشتار به قواعدی که این متغیرات را مورد اشاره قرار می‌دهند، پرداخته شده تا به وسیله این قواعد فقهی، ملیت تبیین شود.

۱) سیره عقلاء

سیره عقلاء، یعنی میل و گرایش عمومی تمام عقلاء به یک روش معین، بدون اینکه شرع در این مسأله نقشی داشته باشد.^{۴۵} در تعریفی دیگر آمده است: مقصود از بناء عقلاء، استمرار عملی بر انجام یا ترک کاری است.^{۴۶} در سیره عقلاء، احتیاجی نیست که صرفاً عملی در خارج انجام شود، بلکه این سیره اعم از

رفتار خارجی و ارتکازات عقلیه است.^{۴۷} ارتباط سیره یا بناء عقلاء به مبحث ملیت و هویت ملی، در انگیزه و اهداف هر یک از این دو، ظهور می‌یابد. با این توضیح که یکی از مسائل بنیادی در ملیت و هویت ملی، حفظ مصالح عمومی و جلوگیری از اختلال نظام است که همین عناصر انگیزه عقلاء نیز به شمار می‌رود. در این باره گفته شده، حفظ مصالح عمومی و پیشگیری از اختلال نظام اجتماع بشری، جزء انگیزه‌های عقلاء تلقی می‌گردد.^{۴۸} امام خمینی (ره) در این راستا اذعان می‌دارند: امارات عقلی یک امر متداول در میان عقلاء به شمار می‌رود و منع از آن موجب اختلال نظام است که شارع هم بر لزوم پایداری آن مبادرت ورزیده است.^{۴۹} در موضوعاتی نظیر فطرت نیز، سیره عقلاء مورد اشاره قرار گرفته است. به این صورت که فطرت، از آنجا که برای حفظ نظام مفید است، منشاء بناء عقلاء محسوب می‌گردد.^{۵۰} به علاوه امام خمینی (ره) در الگوهای دولت و ملت‌ها، ساختارهای اجتماعی و حدود مرزی، به بناء عقلاء تأکید ورزیده است.^{۵۱} بنابراین می‌توان به رسمیت شناختن هویت ملی را در راستای سیره و بناء عقلاء در چارچوب فقهی دانست.

۲) سیره متشرعه

سیره معصومین (ع) برای متفکران علوم فقهی و شریعت، از حجیت و نقش اساسی برخوردار است. با عنایت به اینکه ائمه معصومین (ع) از حیث الگو بودن یکسان هستند، سیره عملی آنان نیز، مبتنی به یک رویکرد است. با اندکی جستجو در سیر تاریخی جهان اسلام، به این نکته دست می‌یابیم که سیره پیامبر اسلام (ص)، تنها معرفی این دین به ملت‌ها بوده است و هرگز رویکرد ادغام یک ملت در ملت دیگر را نداشته است. می‌توان گفت از مذاق روایات و سنت نبوی

۴۳. «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، ص ۱۹۷.

۴۴. انقلاب اسلامی و هویت ملی، ص ۲۰۱.

۴۵. دروس فی علم الاصول، ص ۱۹۸.

۴۶. اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴۷. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۳۳.

۴۸. کاوش‌های فقهی، ص ۲۳۶.

۴۹. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵۰. تنبیه الامة، ج ۳، ص ۱۹۲؛ تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۱۲۳.

۵۱. کتاب البیع، ج ۳، ص ۲۵.

می‌توان دریافت که پیامبر اسلام در عین حفظ هویت و ملیت هر کشوری، خواستار گسترش تمدن اسلامی بودند، مزداری که یکی از شاخه‌های جهاد است، مطرح در منافع هویت ملی است. پیامبر گرامی اسلام در این خصوص می‌فرماید: «یک روز مزداری در راه خدا، از یک ماه نماز و روزه بهتر است و هر کس در راه مزداری از دنیا برود، تا رستخیز ثواب مجاهدان به او داده می‌شود».^{۵۲} امام صادق (ع) نیز، مزداری فراتر از چهل روز را، مشمول اجر مجاهدان دانسته است.^{۵۳} امام علی (ع) نیز در دوران حکومت خود، به شدت با ناامنی برخورد کرده و بیانات و رهنمودهای خود را به مزداران گوشزد می‌کند.^{۵۴} مرحوم کلینی در کتاب اصول کافی، سیره معصومین در خصوص جهاد و فرار از جهاد را خاطر نشان ساخته که ذکر آنها از حوصله تحقیق خارج است.^{۵۵} بنابراین از آن منظر که مزداری و جهاد یکی از اصول شناخت ملیت هر کشوری قلمداد می‌شود، روش زندگی ائمه معصومین (سیره مشرعه) را می‌توان مؤید به رسمیت شناختن مرزهای هر ملیتی دانست.

۳) نظریه منطقه الفراغ

نظریه منطقه الفراغ، یعنی اموری که اسلام حق قانون گذاری در آن را به ولی امر یا دستگاه قانون گذاری واگذار کرده، تا با تغییر شرایط، حکم مناسب صادر شود. البته این صدور حکم باید به گونه‌ای باشد که با اهداف کلی شریعت در تضاد نباشد.^{۵۶} این نظریه در واقع با متغیرات زمانی و مکانی، سازگاری دارد. شهید صدر در این باره می‌گوید: انسان برای برآوردن نیازهای خود راهی جز همکاری با دیگران ندارد؛ لذا روابط اجتماعی با گسترش نیازها، توسعه می‌یابد.^{۵۷}

۵۲. سیره پیشوایان؛ نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم، ص ۳۵۰.

۵۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۰.

۵۴. نهج البلاغه، نامه ۵۰ و ۶۱؛ خطبه ۲۷.

۵۵. اصول کافی، ج ۳، صص ۶۷، ۱۲۸ و ۳۷۹؛ ج ۴، ص ۲۳.

۵۶. «منطقة الفراغ فی التشریح الإسلامی»، ص ۱۱۲.

۵۷. الاسلام یقود الحیاة، ص ۱۸۹.

لذا قانون گذار می‌تواند بر اساس مصالح جامعه، یک حکم ثانوی در خصوص موضوعی صادر کند، برای مثال امری بالذاته مباح است، اما ولی امر، می‌تواند بر اساس شرایطی حکم به ممنوعیت آن صادر کند.^{۵۸} موضوع ملیت نیز، از اموری است که در شرایط زمانی و مکانی مختلف متغیر می‌شود. بنابراین اگر نص خاصی در این راستا از سوی شارع وجود نداشته باشد، می‌توان مرزهای ملی و منافع ملیت را بر طبق منطقه الفراغ به رسمیت شناخت.

واکاوی ارتباط متقابل هویت ملی و تقریب مذاهب اسلامی

در خصوص «هویت ملی» و «تقریب مذاهب»، هرچند رویه و عملکرد اجرایی، وجود داشته است، مانند توجه قانون اساسی در اصل ۱۲ به اقلیت‌های مذهبی به عنوان یک ایرانی، یا اختصاص برنامه‌های تلویزیونی بومی در هر استان به مذهب غالب، یا توجه به نخبگان مذهبی در امور متعدد و مسئولیت سپاری به آنان و موارد مشابه. اما بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد»، تمایز وجود دارد. درست است که مؤلفه‌هایی از «آنچه هست» یعنی هویت ملی کاملاً به عرصه ظهور رسیده است، اما «آنچه باید باشد» یعنی پیوند این هویت در تقریب مذاهب، به طوری که شاهد گسترش روزافزون جهان اسلام باشیم، نمایان نگشته است. بنابراین پیوند این دو عنصر در راستای رسیدن به اهداف سیاسی، اجتماعی و دینی، ضروری قلمداد می‌گردد.

۱) رابطه دین و ملیت و تعاطی آن بر تقریب مذاهب از راهکارهایی که در جهت ارتباط دو مقوله «هویت ملی» و «تقریب مذاهب» مؤثر است، توجه هم‌زمان و یکسان به عناصر ملیت و دین است. توجه و تکیه شدید به عنصر ملیت و نادیده گرفتن عنصر دینی، باعث شد تا شهید مطهری و دکتر شریعتی تمام همت

۵۸. اقتصادنا، ص ۷۲۵.





خود را در جهت هماهنگی این دو عنصر، به کار گیرند. کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام، به گونه‌ای برابری و در کنار هم بودن این دو عنصر را، متذکر شده است.^{۵۹} از طرفی تکیه و توجه شدید بر عنصر دینی و نادیده گرفتن هویت ملی، نتایج منفی، از قبیل گسترش بحران هویت در نسل جوان، رشد هویت فراملی و فروملی، به خطر افتادن منافع ملی کشور و فراهم شدن میدان برای دشمنان داخلی را به دنبال دارد.^{۶۰} بنابراین افراط و تفریط در ملیت و دین، هر دو مضر به حال کشور خواهد بود، چنان‌که امروزه گرایش بی‌پروای جوانان به ملیت مشروع زرتشتی، بدون هیچ پشتوانه عقلی و یا افراط برخی در تمسک به فرهنگ اعراب بدون هیچ پشتوانه دینی، خود نشان از این تفرقه و اضرار به کشور دارد، لذا تعادل این دو مقوله، مقدمه‌ای در جهت تقریب مذاهب در جهان خارج تلقی می‌گردد و مقصود از این تعادل، همان شناخت حدود برای هر یک و تعیین مرجعیت واحد در تشخیص این حدود است.

۲) واقع‌گرایی در تقریب مذاهب و هویت ملی

«هویت ملی» در سه عنصر، ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی و تجددگرایی، خلاصه می‌شود. بر اساس عنصر ایران‌گرایی، هویت ملی در قالب جغرافیای سیاسی مطرح می‌شود که با آغاز و اکنون ملت ایران و همچنین تعلق به آن، ارتباط وثیقی پیدا می‌کند.^{۶۱} اسلام‌گرایی نیز بر این اساس که بر تعالیم شیعی استوار است، یکی از منابع مهم هویت ملی به شمار می‌رود. در واقع، وجه تمایز ملت ایران از سایر ملت‌ها، همین اسلام شیعی است.^{۶۲} عنصر تجددگرایی نیز، یکی از مواردی است که تأثیرات آن در ذیل برخورد با غرب، موجب

بروز مرزهای فرهنگی شد. اموری نظیر تأسیس جامع آدمیت و تسهیلات آموزشی و تربیت ایرانی‌ها در خارج کشور، از اقدامات تاریخ تجدد محسوب می‌گردند.^{۶۳}

سیاست خارجی یکی از عناوینی است که ارتباط میان هویت ملی و تقریب مذاهب را خاطر نشان می‌سازد. این سیاست یک گستره مرزی است؛ یعنی سیاست‌گذاران باید با یک دید دوجانبه، در کشور به فعالیت بپردازند. این دیدگاه واقع‌گرایانه از یک منظر به محیط داخل و از منظری دیگر، به محیط جهانی متمرکز می‌شود. به عبارت دیگر، با حفظ ارزش‌ها و هویت ملی (محیط داخل) و زمینه‌سازی در جهت تقریب مذاهب (محیط خارج و جهانی)، در صدد نقش واسطه‌گری و پیوند این ملت، با جهان اسلام باشند.

به علاوه، هر چند شیعه که یکی از عناصر هویت ملی است از ابتدا رویه سیاسی داشته، اما از قرن بیستم به بعد، تشیع در رویکرد سیاسی، نقش پررنگ‌تری را ایفا کرد. از این منظر که سیاست از دین مجزا نیست، هدف هر دو وحدت جهان اسلام است.^{۶۴} بنابراین با توجه به این ساختار نظام سیاسی ایران سیاست خارجی آن نیز باید ایدئولوژیک‌محور با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی باشد هر چند رهیافت غالب سیاست خارجی ایران به نوعی با آرمان‌گرایی عجین است، اما به تقریب مذاهب در سطح بین‌الملل باید واقع‌گرایانه‌تر نگریسته شود. به عبارت دیگر، تقریب به عنوان یک هدف ایدئولوژیک می‌تواند در راستای گسترش نفوذ و جهت‌داری و اهمیت جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران اسلامی (قدرت نرم) نسبت به سایر کشورهای غیر اسلامی و اسلامی به عنوان یک سیاست واقع‌گرایانه تلقی گردد.^{۶۵} و در صورتی

۵۹. خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۲۱.

۶۰. «دین و ملیت در هویت ایرانی»، ص ۳۳.

۶۱. هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۶.

۶۲. تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ج ۵، ص ۱۱۴.

۶۳. بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، ج ۸، ص ۱۴۶.

۶۴. منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۰.

۶۵. رک: «بررسی واسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، ص ۱۱۷.



که ایدئولوژی منطبق با رفتار واقع‌گرایانه باشد، منجر به چنین اهدافی خواهد شد و در صورت اختلاف میان ایدئولوژی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی در موضوع تقریب مذاهب اسلامی هزینه‌ها بر فایده‌ها چیره خواهد شد.

اصول و قواعد فقهی حاکم بر حفظ «منافع ملی» در گستره «تقریب مذاهب اسلامی»

در هر گروه و مذهبی، اندیشمندان نقش مؤثری در جریان حرکت یک گروه دارند. بی‌شک تقریب و دست‌گذاشتن بر روی نقاط فکری و اصول اعتقادی یک مذهب نقش بسیار مهمی در نزدیکی اندیشه و به تبع آن ایجاد هم‌فکری مذهبی خواهد داشت. همچنین یکی از راه‌های بنیادی در راستای تقریب میان مذاهب اسلامی، بررسی منافع ملی و تأثیر آن در ایده وحدت مذاهب است. ارائه قواعد فقهی که بر منفعت ملی دلالت دارند و اجرایی کردن این قواعد در گستره تقریب مذاهب، کمک شایانی در خصوص رفتارهای واقع‌گرایانه در راستای همبستگی مذاهب با یکدیگر، خواهد کرد. توجه به اصول و قواعد زیر، تأثیر شایانی در برداشت‌های استنباطی و تعالی فکری اندیشمندان خواهد داشت:

۱) اصل مصالح امت اسلامی

یکی از مؤلفه‌های منافع ملی، مصالح امت اسلامی قلمداد می‌گردد؛ چراکه مصالح امت اسلامی با عنایت به اهداف و ارزش‌های ملی تعریف می‌شود؛ لذا از این منظر جزء یکی از منافع ملی شمرده می‌شود. مصلحت از نظر لغوی به معنای خیر و منفعت و در تضاد و مقابل فساد است.^{۶۶} اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی، یکی از اصول مورد پذیرش فقیهان امامیه است.^{۶۷} در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز ولی فقیه مرجع مصلحت‌های کلان است؛ اما در مقام اجراء،

۲) اصل ضرورت حفظ نظام و منع اختلال حفظ نظام، یکی از مقاصد شریعت تلقی شده است. از طرف دیگر، اختلال در نظام مردمی، همیشه در نگاه شارع و قانون‌گذار، امری ممنوع است که تحت هیچ شرایطی بر مشروعیت آن حکم نشده است. اصل حفظ نظام، نقطه مقابل و ضد عام اختلال نظام است.^{۶۸} هنگامی که عقل به لزوم اجتناب از هر چیزی که موجب اختلال در نظام می‌گردد، حکم می‌دهد، سبب قطع به حکم شرعی می‌شود و قطع هم مسلماً دارای حجیت ذاتی خواهد بود و نوبت به سایر حجتها و اصول نمی‌رسد، لذا این قاعده در تعارض با سایر قواعد و اصول فقهی مقدم می‌گردد. امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت حفظ نظام بیان داشته‌اند: «مسأله

۶۸. «نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ص ۶۶.
۶۹. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۷۴.
۷۰. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۳.
۷۱. مصباح الفقاهة، ج ۲، ص ۳.

۶۶. لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۶؛ الصحاح، ج ۱، ص ۳۸۳.
۶۷. القواعد و الفوائد، ص ۳۸.



حفظ نظام جمهوری اسلامی، در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران، متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است.^{۷۲} از آنجا که یکی از ملاک‌های مهم حفظ نظام، تأمین منافع عمومی و ملی جامعه است و افتراق میان مسلمانان موجب اختلال نظام می‌گردد، لذا تلاش در خصوص تقریب مذاهب مصداقی واضح و روشن از حفظ نظام اسلامی به شمار می‌رود.

۳) اصل عدالت

با عنایت به اینکه در جهت نیل به عدل در جامعه، باید میان تمامی قوانین و قانون طبیعی هماهنگی وجود داشته باشد، عدالت اجتماعی، «ایجاد توازن در جامعه»، تعریف شده است.^{۷۳} عده‌ای بیان می‌دارند: اگر دولت‌مردان عدالت را سرلوحه اعمال خود قرار دهند، این از اعظم مصالح برای مردم است و در مقابل، فساد و فسق آنان موجب اختلال نظام می‌گردد.^{۷۴} عدالت محوری در جامعه اسلامی، منجر به تنظیم معاشرت‌های مردم با یکدیگر و نظام با مردم می‌شود. این امر، خود زمینه‌ساز منافع ملی خواهد بود. بنابراین طبق اینکه «آنچه عدل است، دین هم همان را می‌گوید»^{۷۵}، تقریب مذاهب اسلامی محوریتی در زمینه برابری عدل قلمداد می‌گردد؛ زیرا موضوع تقریب میان مذاهب رسیدن به حقایق اسلامی است و ظهور این هدف بیانگر اصل عدالت است، زیرا عدالت به معنای قرارگیری هر چیزی در جای مناسب خود است و گفتگوی میان مذاهب منجر به رسیدن به نقطه‌نظر واحدی می‌گردد که آن همان کشف واقعیت دینی منطبق با عدل است.

۴) قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل که مستفاد از آیه «و لن يجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلاً»^{۷۶} است، بیان می‌دارد که در دین اسلام حکمی که موجب تسلط کفار بر مسلمین شود، وضع نشده است.^{۷۷} این قاعده دال بر دو جنبه ایجابی و سلبی است. در جنبه اول، ناظر به استقلال مسلمانان و در جنبه دوم، ناظر به نفی تسلط بیگانگان است.^{۷۸} جنبه ایجابی این قاعده به همان موضوع مورد بحث ما یعنی، تقریب مذاهب اسلامی دلالت دارد؛ زیرا گفتگوی میان مذاهب اسلامی موجب رسیدن به اتحادی می‌گردد که هرگز مسلط شدن کافران را بر نمی‌تابد. از طرفی این اتحاد، پیوندی با حفظ منافع فردی و ملی مسلمانان دارد، چراکه تقریب مذاهب مقدمه‌ای در خصوص تأمین منافع ملی محسوب می‌گردد. امام خمینی (ره) در این راستا می‌فرماید: «برای بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی، تلاش کنید. برنامه ما وحدت مسلمین جهان است و برای رسیدن به اهداف اسلام، دست برادری به تمام ملت‌های اسلامی می‌دهیم».^{۷۹}

۵) اصل رعایت احکام شریعت

از این منظر که نظام اسلامی باید در چارچوب مشخصی حرکت کند، معیار قرار دادن احکام شرعی موجب تأمین منافع ملی مسلمانان می‌گردد. در واقع حکومت اسلامی، زمانی دارای ارزش و اعتبار می‌شود که مجری احکام شرعی اسلام باشد.^{۸۰} یکی از احکام شرعی مسلمانان اصل اخوت است که به عنوان اصلی اساسی برای تثبیت دین اسلام معرفی شده است. به دیگر بیان، برادری موتور محرک اسلام است که بدون آن اسلام انتشار پیدا نمی‌کند. بنابراین تقریب مذاهب با رعایت این اصل، علاوه بر تأمین منافع ملی، به رعایت

۷۶. نساء، ۱۴۱.

۷۷. القواعد الفقهیه، ص ۱۸۷.

۷۸. «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران»، ص ۱۶۹.

۷۹. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

۸۰. ولایت فقیه، ص ۵۴.

۷۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

۷۳. «عدالت مهدوی در قرآن»، ص ۵۵.

۷۴. عین الحیاء، ج ۲، ص ۲۸۲.

۷۵. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۶، ص ۲۰۳.

حکم شرعی در ذیل اصل برادری نیز دلالت می‌کند.

نتیجه‌گیری

«تقریب» میان مذاهب اسلامی را اگر به عنوان یک هدف ایدئولوژیک برای نظام سیاسی دینی بپنداریم، فهم فقهی صحیح از منفعت ملی در جهت واقع‌بینی آن، چه در حیطة درون‌مرزی و چه در حیطة برون‌مرزی و سیاست خارجی ضرورت می‌یابد. از طرف دیگر، تبیین فقهی ملیت به عنوان مرزبندی‌های ایدئولوژیک محور و چارچوب‌های اجتماعی با تمسک بر «سیره عقلاء»، «سیره متشرعه» و «منطقه الفراغ» بر انعطاف شریعت اسلامی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت دلالت دارد. همچنین توجه به تقریب مذاهب به عنوان

یک هدف می‌تواند در راستای اهداف واقع‌گرایانه دیگر چه در عرصه منافع داخل کشور و چه در عرصه منافع سیاسی خارجی قلمداد گردد. فقه شیعی در چارچوب «اصل مصالح امت اسلامی»، «اصل ضرورت حفظ نظام و منع اختلال»، «اصل عدالت» و «قاعده نفی سبیل»، رویکرد حفظ منافع ملی را در راستای تقریب مذاهب اسلامی می‌داند و وحدت اجتماعی با ادراک فقهی و واقع‌گرایی سیاسی را نشان می‌دهد. تفهیم فقهی از منفعت هویت ملی، در راستای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی، ما را به این نگاه عمیق می‌رساند که شارع مقدس بر اساس قواعد کلان فقهی، حفظ مرزهای ملی و تأمین منافع ملی در سایه تقریب را مقدمه‌ای بر حفظ مرزهای عقیدتی دانسته است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی، محمدتقی فخلعی، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ ش.
- اسلام؛ آیین همبستگی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، تهران، بعثت، ۱۳۵۴ ش.
- انوار الهدایه، سید روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲ ش.
- انقلاب اسلامی و هویت ملی، علیرضا زهیری، قم، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۱ ش.
- اصول روابط بین‌الملل، سید حسین سیف‌زاده، تهران، سفیر، ۱۳۸۵ ش.
- اقتصادنا، سید محمدباقر صدر، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
- الاسلام یقود الحیاة، سید محمدباقر صدر، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهید صدر، ۱۳۶۱ ش.
- القواعد الفقهية، سید محمدحسن موسوی بجنوردی، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
- القواعد و الفوائد، محمد بن مکی شهید اول، قم، مکتبه المفید، بی‌تا.
- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه جواد مصطفوی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- اصول الفقه، محمدرضا مظفر، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- «امت و ملت، نگاهی دوباره»، حسین جوان آراسته، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹ ش.
- بنیادهای هویت ملی ایرانی، حمید احمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۴ ش.
- «بررسی و اسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، شهرزاد ابراهیمی، مجله روابط خارجی، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.
- بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، علی‌اصغر کاظمی، تهران، قومس، ۱۳۸۲ ش.
- بحوث فی علم الأصول، سید محمود هاشمی





- شاهرودی، قم، مرکز الغدير، ۱۴۱۷ق.
- تنبيه الامة و تنزيه الملة، محمدحسين نائینی، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۱ق.
- تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، احمد نقیبزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱ش.
- تحرير الوسيلة، سيد روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵ش.
- «تحليل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، ابراهیم حاجیانی، مجله مطالعات ملی، شماره ۵، ۱۳۷۹ش.
- تفصيل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، قم، مؤسسه آل‌البيت(ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- «جریان‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی»، حسن بشارتی‌راد، مجله جریان‌شناسی دینی - معرفتی در عرصه بین‌الملل، شماره ۳، ۱۳۹۳ش.
- حياة الامام الحسن بن علی(ع)، باقر شریف قرشی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۳ق.
- حقوق بین‌الملل خصوصی، محمد نصیری، تهران، آگاه، ۱۳۹۸ش.
- خدمات متقابل ایران و اسلام، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۵ش.
- دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، تهران، مروارید، ۱۳۸۴ش.
- دایرة المعارف ناسیونالیسم، الکساندر ماتیل، ترجمه کامران فانی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ش.
- دروس فی علم الاصول، سيد محمدباقر صدر، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۴۰۶ق.
- «دين و ملیت در هویت ایرانی»، حمید احمدی، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۷، ۱۳۸۴ش.
- «راه‌های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان»، محمد واعظزاده خراسانی، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۰، ۱۳۸۲ش.
- سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم، مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۷۲ش.
- الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- صحیفه امام، سيد روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸ش.
- صحیفه نور، سيد روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰ش.
- صحیح ابن‌حبان، محمد ابن‌حبان، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
- «ضرورت گفتگوی ادیان و مذاهب»، محمدحسین فضل‌الله، مجله هفت آسمان، شماره ۷، ۱۳۸۹ش.
- «عدالت مهدوی در قرآن»، هادی معرفت، مجله انتظار، شماره ۱۳، ۱۳۸۳ش.
- عين الحیة، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، قم، انوار الهدی، ۱۳۸۲ش.
- فلسفه سیاست، محمدجواد نوروزی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰ش.
- «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، بهادر زارعی و دیگران، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶، ۱۳۹۳ش.
- كشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن عیسی اربلی، ترجمه سيد ابراهیم میانجی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۸۲ش.
- کتاب البیع، سيد روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۴۲۱ق.
- کاوش‌های فقهی، سيد عباس حسینی قائم‌مقامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن‌منظور، بیروت، دارالفکر؛ دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۴ش.

- «مصاحبه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی»، مجله پیام حوزه، شماره ۱۳، ۱۳۷۶ش.
- مصباح الفقاهة، محمدعلی توحیدی تبریزی، تقریرات درس سید ابوالقاسم خویی، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- ملیت، دیوید میلر، ترجمه داود غریباق‌زندی، تهران، تمدن ایرانی، ۱۳۸۳ش.
- منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مقصود رنجبر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶ش.
- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، داود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶ش.
- «منافع ملی ما کدامند؟»، محمدرضا تاجیک، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۲، ۱۳۸۰ش.
- «منطقه الفراغ فی التشريع الإسلامی»، سید علی‌اکبر حائری، مجله رساله‌التقریب، شماره ۱۱، ۱۳۷۵ش.
- «نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، محمدحسن خانی و حسین محمدی سیرت، مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۲، ۱۳۹۷ش.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف‌رضی.
- ولایت فقیه، سید روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴ش.
- وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، سید محمدباقر حکیم، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران، تبیان، ۱۳۷۷ش.
- هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶ش.
- یادداشت‌های استاد مطهری، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۲ش.
- Defending the national interest: raw materials investments and u.s foreign policy, S. Krasner, princeton, princeton university press, 1978.
- Foreign policy analysis: A comparative introduction, M. Breuning, New York, Palgrave Macmillan, 2007.
- In defense of national interest, H. J. Morgenthau, Chicago, the University of Chicago press, 1950.
- The international relation dictionary, J. C. Plano, & R. Dilton, u.s.a, longman, 1988.
- Nationalism: theory and ideology, Anthony Smith, London: sage publications, 1996.

